

شاکله و تأثیر آن بر سلامت روان بر اساس رهیافت‌های علامه طباطبایی و ارائه راهکارهای عملی

رضا نصیری^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹)

چکیده

آیات قرآن بر سلامت روان انسان تأکید ویژه دارند؛ که توجه به آنها بهترین دستورالعمل جهت رسیدن به آرامش روح و روان می‌باشد. یکی از مفاهیم قرآنی "شاکله" می‌باشد که فقط یک بار در سوره اسراء آیه ۸۴ آمده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین دو متغیر شاکله و سلامت روان رابطه‌ای تنگاتنگ و معناداری وجود دارد به گونه‌ای که شاکله سالم موجب رشد و تعالی و منشأ رفتارها و عواطف سالم؛ و در مقابل شاکله ناسالم منشأ بروز و ایجاد بسیاری از ناپهنجاری‌های رفتاری در افراد می‌باشد. علامه در تفسیر "شاکله" دیدگاه ملکه انگاری را برگرفته و بر این باور است که تکرار اندیشه و عمل، نخست حالت است و سپس عادت می‌گردد و به تدریج ملکه می‌شود و این ملکات به اعمال انسان شکل می‌دهد. با واکاوی مفهوم شاکله و با تدبر در آیات قرآن می‌توان به این نتیجه رسید که ریشه بسیاری از امراض و معضلات روانی افراد را باید در شاکله آنها جستجو کرد. موضوع مهمی که قرآن توجه ویژه‌ای به آن داشته و از بعد انسان شناسی راه حل‌های کلی و عملی برای پیشگیری و درمان شاکله‌های ناسالم و شکل گیری شاکله سالم همچون: بازگشت به فطرت، توبه، خودسازی و تهذیب نفس، خودشناسی، عادت پروری و عادت زادی، تربیت دینی ارائه نموده است.

کلید واژه‌ها: شاکله، سلامت روان، سیدمحمدحسین طباطبایی، امراض و اختلالات روانی، راهکارهای عملی.

۱. بیان مسئله

یکی از مفاهیم روانی قرآن در حوزه سلامت روان مفهوم شاکله می‌باشد. حال سوالی که مطرح است آن است که آیا بین شاکله یک انسان و سلامت روان او پیوند و ارتباطی برقرار است؟ و در نتیجه هر یک از آن دو بر روی دیگری تاثیر گذار است؟ و آیا ماهیت انسان و به تبع آن شاکله او، دائما در حال تغییر و تحول است؟ یا بالعکس ساختمان اولیه زیر بنای شخصیت ثابت است و تغییراتی که احيانا در افراد می‌بینیم، روئایی و سطحی است؟

یکی از مباحث مهم و چالش برانگیز در حوزه سلامت روان بی بردن به علل و درمان امراض و اختلالات روانی می‌باشد موضوعی که تاکنون ذهن بسیاری از پژوهشگران و روانشناسان غربی را درگیر و سبب تحقیقات گسترده‌ای از سوی آنان در این زمینه شده است. پرسش اساسی آن است که آیا بین شاکله افراد و ناهنجاری‌های رفتاری پیوند و ارتباطی برقرار است؟ و آیا قرآن برای درمان و پیشگیری از این قبیل معضلات روانی دستورالعمل جامع و نسخه شفا بخشی برای انسان و رساندن او به سلامتی و کمال دارد؟

علامه طباطبایی از جمله نخستین مفسران معاصری می‌باشد که، با ارائه تفسیری جامع از مفهوم شاکله و قرار دادن آن به عنوان مبنای رفتار توانسته است به خوبی بین این مفهوم و سلامت روان افراد ارتباط برقرار کند و به بسیاری از سوالاتی که در این زمینه مطرح است پاسخ دهد. علاوه بر آن ذهن بسیاری از صاحب نظران را متوجه این نکته کند که هر چه در تفسیر آیه شاکله از توان بین رشته‌ای بهره ببریم، به ژرفای آیه بیشتر دست می‌یابیم.

۲. مقدمه

خداوند متعال در آیات بسیاری فطرت وجودی انسان و حالات گوناگون روان او را متذکر شده است که توجه به آنها می‌تواند جامع‌ترین دستورالعمل بهداشتی جهت رسیدن به آرامش روح و روان باشد. و البته از کتابی که برای هدایت و راهنمایی و تربیت و آموزش

انسان نازل شده است انتظار پرداختن به چنین مسائلی می‌رود. آیاتی که در این خصوص (روان انسان) در قرآن کریم وجود دارند به مثابه نشانه‌هایی هستند که انسان برای شناختن خود و خصلت‌های گوناگونش می‌تواند از آن‌ها راهنمایی بجوید و برای دستیابی به روشی درست به منظور تهذیب و تربیت نفس خویش، توسط آیات مزبور ارشاد شود. ما می‌توانیم به کمک حقایقی که در قرآن درباره‌ی انسان و صفات و حالات روانی آمده است به ترسیم چهره‌ای درست از شخصیت انسان راهنمایی شویم. (نجاتی، ۲۶)

قرآن کریم کتاب روانشناسی نیست اما در همین حال در آن نکات دقیق و ظریفی از مباحث روانشناسی و بخصوص موضوع سلامت روان ذکر شده است. یکی از مفاهیم قرآن که حاوی مضامین اخلاقی و روانشناسانه می‌باشد "شاکله" است. این آیه که به آیه "شاکله" معروف است و در روانشناسی نیز از آن تحت عنوان شخصیت بحث می‌شود ارتباط مستقیمی با سلامت روان افراد داشته، و حاوی مضامینی است که توجه به آن راهگشای بسیاری از مشکلات حوزه سلامت و حتی رشد و کمال انسان می‌باشد. حتی می‌توان گفت که بهترین دستورالعمل قرآنی جهت مصون ماندن از اختلالات روانی و بهبود و ارتقاء سلامت روانی افراد می‌باشد. موضوعی که کمتر مفسران و اندیشمندان حوزه بهداشت و سلامت روان به آن پرداخته اند. نخستین بار علامه طباطبایی در دوران معاصر با ارائه تفسیری جامع از این مفهوم راه ورود و ارتباط بسیاری از پژوهشگران حوزه دانش‌های دیگر خصوصاً حوزه‌های تربیتی و روانشناسی را که در آنها "رفتار" به نوعی مبنا و محور مطالعات و تحقیقات قرار می‌گیرد فراهم آورد.

خداوند متعال در آیه ۸۴ سوره اسراء می‌فرماید: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا»؛ تو به خلق بگو که هر کس بر حسب ذات و طبیعت خود عملی انجام خواهد داد و خدای شما بر آن کس که راه هدایت یافته از همه آگاهتر است. در این آیه عمل انسان را مبتنی بر شاکله می‌داند؛ یعنی انتخاب‌ها، رفتارها، واکنش‌ها، دوستی‌ها و دشمنی‌ها و چگونگی ابراز عواطف، ریشه در شاکله وی دارد. از آنجایی که آشکارترین

نمود و ظهور شاکله در "کنش" و "رفتار" رخ می‌دهد، و شاکله علت رفتار و خوبی و بدی و عامل پیش‌بینی‌کننده شناخته می‌شود. (قراملکی، نقش مواجهه مسئله محور با آیه شاکله، ۷۵-۸۴) در نتیجه برای پی بردن به علل و عوامل بسیاری از اختلالات روانی مثل استرس، اضطراب، فشارهای روانی، ترس، افسردگی، خودکشی و... باید به شاکله افراد مراجعه و از طریق شناخت عوامل بیرونی و درونی شکل دهنده آن به درمان آنها پرداخت. بنابراین می‌توان گفت شاکله معیار سلامت انسان در دنیا و همچنین معیار مؤاخذه الهی در آخرت می‌باشد نکته‌ای که قرآن بر آن تاکید داشته و شاکله مؤمن را قابل هدایت و رشد و اصلاح و شاکله ظالم را موجب ضلالت و گمراهی معرفی می‌کند.

در این نوشتار با رویکرد میان‌رشته‌ای تلاش شده است با واکاوی رابطه بین شاکله و سلامت روان در پرتو تحلیل اندیشه‌های علامه به بررسی و ریشه‌یابی علل و عوامل بیماری‌های روانی و همچنین ارائه راهکارهای عملی با هدف پیشگیری و مصون ماندن از این قبیل آسیب‌ها و ارتقاء بهداشت روانی افراد پرداخته شود. روش تحقیق در این پژوهش، تحلیلی توصیفی است، قرآن کریم و روایات معصومان، همچنین کتاب‌ها و مقالات روانشناسی، مهمترین منابع این پژوهش می‌باشد. قبل از پرداختن به اصل مقاله چند نکته مقدماتی دیگر قابل ارائه است:

۲-۱. پیشینه تحقیق

مقالات «نقش مواجهه مسئله محور با آیه ی شاکله، با رویکرد روش شناختی» (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۳)، «تأملی بر الگوهای تأثیر گذار زبان شناسی شناختی در مطالعات میان رشته‌ای با تأکید بر واژه قرآنی "شاکله"» (قاسم درزی و همکاران، ۱۳۹۶)، «دلالت‌های تربیتی مفهوم قرآنی "شاکله" بر اساس رهیافت علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان» (سکینه سلمان ماهینی و فرامرز قراملکی، ۱۳۹۴)، «حل مسئله شکاف بین علم و عمل اخلاقی از طریق آموزه قرآنی "شاکله" (با تأکید بر اخلاق کاربردی) (محسن

ایزدی، ۱۳۹۷)، «شاکله، بازتابی از حالات و اطوار نفس و فطرت در پرتو آموزه‌های دینی» (محسن شیرواند و سید محمد علی موسوی، ۱۳۹۵)، «هندسه تعامل ادراکات و نفس در ساختار و عملکرد شاکله» (عبدالله حاج علی لائمی و همکاران، ۱۳۹۱)، «مقایسه تحلیلی شخصیت از دیدگاه روان‌شناسی با مفهوم شاکله در قرآن» (روح الله محمد علی نژاد عمران و مینا شمخی، ۱۳۹۹)، «نگرش تحلیلی به آراء مفسران در آیه «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكَلَتِهِ» (سعید نمازی زادگان و احمد آقائی زاده، ۱۴۰۲)، «روان‌شناسی شخصیت از دیدگاه قرآن» (سید حیدر علوی نژاد، ۱۳۸۴)، «شاکله نظریه محوری اسلام در خصوص شخصیت» (مرتضی سمنون، ۱۳۹۶)، «سیر تحول معنایی انگاره شاکله؛ در گستره تفاسیر، دوره پیدایش و کلاسیک» (قاسم درزی و فرشته قبادی، ۱۳۹۷)، «نگاهی به مفهوم شخصیت در منابع اسلامی» (محمدصادق شجاعی، ۱۳۹۵) نمونه‌هایی از تحقیقات صورت گرفته پیرامون این موضوع هستند. علاوه بر مقالاتی که در این زمینه نگاشته شده برخی از نویسندگان معاصر در این زمینه به صورت مستقل و یا در خلال مباحث کتاب خود به این مسئله اشاراتی داشته‌اند از جمله «شاکله نفس، معنا و فرآیند» (احمدرضا اخوت، ۱۳۹۴)، «پرسشنامه شخصیتی شاکله (مبانی نظری، شیوه نامه اجرا و تفسیر)» نوشته محمد صادق شجاعی و «روانشناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی» از علی اصغر احمدی نمونه‌ای از پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه می‌باشند.

از این‌رو، با توجه به اینکه غالب آثار مذکور پیرامون این واژه بیشتر به مفهوم شناسی و زبان شناختی این واژه پرداخته و کمتر، به ارتباط این مفهوم قرآنی با علوم دیگر توجه شده است. در حالی‌که این واژه قرآنی به دلیل ظرفیت‌های بالایی که دارد، می‌توان برای ورود به مباحث میان رشته‌ای استفاده نمود. همچنین با توجه به اینکه تحقیقی مستقل که این مسأله را به صورت موردی بررسی کند وجود ندارد در این مقاله، این مسأله و ابعاد آن تحلیل و بررسی شده است.

۲-۲. مفهوم شناسی

هر یک از واژگان زبانی در علوم مختلف به عنوان نقطه‌های دسترسی به منابع گسترده‌ای از دانش به حساب می‌آیند. بنابراین برای فهم بهتر مطالب و مباحث میان رشته‌ای ضرورت می‌نماید که در ابتدا به تبیین و تعریف واژگان پیرامون موضوع مورد نظر در هر دو حوزه پرداخته شود. به طوری که گفته شد یکی از آیات ژرف پیام و پر معنا در قرآن کریم آیه ۸۴ سوره اسراء است. ظرفیت‌های موجود در این آیه سبب شده است که در طول تاریخ تفسیر، دیدگاه‌های گوناگونی با الهام از آیات و روایات، و همچنین با توجه به سیاق و متاثر از نگرش‌های تفسیری، تعبیر و نظرات تفسیری متفاوتی برای معنای شاکله ارائه شود. به طوری که در تاریخ تفسیر در حدود چهارده تفسیر عمده از این مفهوم ارائه شده است. (حسینی، ۱۰۰) در مطالعات میان رشته‌ای واژگان و نوع نگرش به آن‌ها بسیار مهم و تاثیر گذار است؛ اگر با رویکردهای سنتی با واژگان روبرو شویم و آن‌ها را دارای معنایی متعین و ثابت بپنداریم، در مواجهه با تغییر معنایی نیز به تأویل‌های دور دست خواهیم زد؛ اما اگر با رویکردهای نوین واژگان را تفسیر و معنا کنیم افق‌های جدیدی به روی پژوهشگران گشوده شده و امکان استفاده از ظرفیت‌های موجود در واژگان فراهم می‌شود. (درزی، ۲۹)

با دقت در هر یک از تعاریف ارائه شده از سوی مفسران می‌توان گفت که تمامی تفاسیر ارائه شده از این مفهوم به نوعی به چهار تعریف اصلی از این واژه یعنی «طریقت»، «توان» و «طاقت»، «طبیعت»، «حال و ملکه» برمی‌گردد و همین چهار معنا از این واژه است که به دلیل برخورداری از ظرفیت‌هایی امکان پژوهش در رشته‌های دیگری چون جامعه‌شناسی، فلسفه و عرفان و روان‌شناسی و سایر رشته‌ها دیگر را پدید آورده است. به طوری که معنای طبیعت و سرشت و توان و طاقت از این واژه امکان طرح مباحث فلسفی و عرفانی را میسر کرده است و معنای طریقت از این واژه می‌تواند مباحثی میان رشته‌ای در ارتباط با علم اخلاق و تربیت و آنچه مربوط به اعمالی که افراد انجام می‌دهند مطرح کند. و

همچنین تفسیر شاکله به حالت و ملکه سبب مطرح شدن مباحث مربوط به حوزه سلامت روان و موضوعات مهم دیگری همچون بیماری‌هایی که مربوط به روح و روان افراد می‌باشد را در تفسیر این آیه فراهم آورده است.

گروهی از روانشناسان اسلامی حوزه بهداشت روان مفهوم شاکله، را معادل "شخصیت" در روانشناسی دانسته و در تعریف آن می‌نویسند: شاکله عبارت است از: «ساخت و هیئت واحد روانی انسان، که بر اثر تعامل وراثت، محیط و اختیار شکل گرفته، به گونه‌ای که محرکات محیطی را منطبق با خود تفسیر کرده و در مقابل آنها، به شیوه‌ای خاص پاسخ می‌دهد». (احمدی، ۶-۲۱)

این دسته از اندیشمندان تعریف شاکله به هیئت و ساخت روانی را جامع‌ترین و کامل‌ترین تعریف از این واژه می‌دانند به این علت که تمامی تفاسیر مختلف ارائه شده از این مفهوم به چگونگی ساخت روانی انسان برمی‌گردد. هیئت روانی انسان مجموعه واحدی است که نیت از آن بر می‌خیزد خلق و خوی حاصل آن است، مذهب براساس آن پذیرفته شده و خود موجد شکل‌پذیری آن می‌شود و بالاخره نیازها در بروز و ظهور خود متأثر از آن هستند. (همو) مفهوم شاکله در روانشناسی با عنوان ساختارهای شناختی به خوبی تبیین می‌شود ساختارهای شناختی قالب‌های هشیار و ناهشیار تفکر به ویژه باورها، اعتقادات، تعهدات، فرضیات ضمنی و معانی است که فرد بر حسب عادت براساس آنها خود و دنیایش را تفسیر می‌کند. (قراملکی، دلالت‌های تربیتی مفهوم قرآنی شاکله، ۳۶-۵۷)

اما گروهی دیگر از روانشناسان بین مؤلفه «شخصیت» در روانشناسی و «شاکله» در قرآن و روایات تفاوت قائل شده‌اند، و مفهوم شاکله را با گسترده‌تری، معنایی اعم از شخصیت داشته و علاوه بر انگیره‌ها و هیجانان انسان در دو بعد مادی و روانی، شاخصه‌های دیگری همچون: خلق و خوی، نیت‌ها، مقبولات، عادات، شایستگی‌ها، حاجات و نیازها، ساختار و بافت روحی، مذهب و طریقت، تعقل و رفتار را نیز در بر می‌گیرد. (محمدعلی نژاد عمران، ۱۵۹)

اگرچه خود واژه ی «شخصیت» در منابع اسلامی به کار نرفته است، ولی موضوع و مفهوم شخصیت چیزی نیست که فقط به روان شناسی اختصاص داشته باشد. به نظر می‌رسد مفهوم شخصیت مانند خدا، زندگی، مرگ، انسان، عدالت و... موضوع جهانی و مربوط به همه‌ی فرهنگ‌هاست. در آیات و روایات اسلامی نیز مطالب زیادی درباره‌ی شخصیت وجود دارد که به دلیل ناهمگرایی واژه‌ها و فقدان زبان مشترک با روان شناسی همچنان ناشناخته و مبهم باقی مانده است. به نظر می‌رسد منابع اسلامی در این زمینه غنی‌تر از روان شناسی است؛ زیرا آنچه روان شناسان در تحقیقات و پژوهش‌های خود به آن دست یافته‌اند تنها بخشی از حقایق مربوط به انسان است. (شجاعی، ۵۷)

بنابراین می‌توان گفت شاکله یکی از واژه‌ها و مفاهیمی است که بیشترین ارتباط را با مفهوم شخصیت دارد. در نتیجه مناسب‌ترین واژه‌ای که مفهوم شاکله را در روانشناسی تداعی می‌نماید "شخصیت" می‌باشد. مفهوم شخصیت، هدف نهایی تمام بررسی‌های روان شناختی است پس در روانشناسی یافته‌ای نیست که در شناساندن شخصیت، سهمی بر عهده نداشته باشد. به طوری که می‌توان به جرأت گفت که آنچه مطالعات پراکنده روانشناسی را انسجام می‌بخشد و به آنها معنی و مفهوم روشنی می‌دهد تفسیر این یافته‌ها و مطالعات در سایه نظریه شخصیتی منسجمی است که بتواند رفتار انسان را در تمامی ابعاد آن توجیه و تبیین کند. (مایلی، ۷)

تعاریف مختلفی که از شخصیت ارائه شده است، به طور کلی نشان می‌دهد که کارکرد شخصیت چیست و نشان می‌دهد که شخصیت، دارای ساختاری منسجم و کلی است، ساختاری که در رفتار شخص تبلور پیدا می‌کند. این مطالب از آیه ۸۴ سوره اسراء قابل استفاده است. اما برای شناخت ساختار شخصیت، عناصر مهم و کیفیت شکل‌گیری آن، باید از دیگر آیات قرآنی مدد بجوییم. (علوی نژاد، روانشناسی شخصیت از دیدگاه قرآن، ۳۲)

۲-۳. مفهوم سلامت روان

بحث از شاکله و شخصیت در منابع دینی و روانشناسی بدون مطالعه‌ی بیماری و

سلامت امکان پذیر نیست. یک نظریه شخصیت وقتی کامل است که بتواند تعریفی از سلامت روانی ارائه کرده و براساس آن، ناهنجاری و علل و عوامل اختلالات و بیماری‌های روانی را مشخص کند. ارائه تعریف جامعی از سلامت روانی و مشخص کردن الگویی برای سلامت روانی از طریق تجربی چنان غامض و پیچیده است که باعث شده برخی از روانشناسان قائل به عدم وجود سلامت روانی و الگوی سالم روانی شوند.

هر یک از فرهنگ‌ها، سازمان‌ها و مکاتب روان‌شناسی، در تعریف سلامت روانی، مفاهیم مختلفی به کار می‌برند. فرهنگ بزرگ‌روان‌شناسی لاروس، بهداشت روانی را «استعداد روان برای هماهنگی، خوشایند و موثر کار کردن، برای موقعیت‌های دشوار انعطاف‌پذیر بودن و برای بازیابی تعادل خود، توانایی داشتن» تعریف کرده است. (گنجی، بهداشت روانی، ۲۲) کارشناسان سازمان بهداشت جهانی سلامت فکر و روان را این‌طور تعریف می‌کنند: «سلامت فکر عبارت است از قابلیت ارتباط موزون و هماهنگ با دیگران، تغییر و اصلاح محیط فردی و اجتماعی و حل تضادها و تمایلات شخصی به‌طور منطقی، عادلانه و مناسب». (میلانی‌فر، ۱۲-۱۳)

علاوه بر تعاریف فوق، سلامت روانی از دیدگاه مکاتب گوناگون روانشناسی همچون مکتب زیست‌گرایی، روانکاوی، رفتارگرایی، انسان‌گرایی و بوم‌شناسی نیز تعریف شده، که با دقت در تعاریف ارائه شده از سوی آنان در زمینه سلامت روان می‌توان گفت که آن‌ها برداشت‌های متفاوتی از سلامت روان دارند. آن‌ها انسانی را برخوردار از سلامت روانی می‌دانند که در این زندگی و فقط در همین حیات دنیوی، بیماری روانی نداشته باشد درحالی که قرآن سطح مطلوب رشد و کمال را فراسوی بهنجاری می‌داند. به طوری که رهایی از بیماری عاطفی را تنها نخستین گام ضروری به سوی رشد و کمال دانسته، که انسان پس از این گام، راهی دراز در پیش دارد. (شولتس دوان، ۷)

با دقت در تعاریف ارائه شده از سلامت روان می‌توان گفت که، تقریباً همه این تعاریف به بعد جسمانی، روانی و اجتماعی شخصیت پرداخته‌اند، اما از جنبه‌های معنوی انسان

غفلت کرده‌اند. لذا باید تعریفی از «سلامت روانی» مطرح کرد که همه ابعاد وجودی انسان را شامل شود. از این منظر، سلامتی به سطحی از عملکرد اشاره دارد که در آن فرد با خود و سبک زندگی اش آسوده و بی‌مشکل باشد. چنین مفهومی نیازمند رشد بهنجار و متعادل در تمام ابعاد وجودی فرد از نظر جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی است. این ابعاد در ارتباط متقابل با همدیگرند، به گونه‌ای که مشکلات مربوط به یک بعد، ابعاد دیگر و سلامتی کلی فرد را با خطر مواجه می‌کند. بدین ترتیب سلامت و بهداشت روانی عبارت است از: بهره‌مندی فرد از وضعیت مطلوب جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی به گونه‌ای که برای او امکانی فراهم کند که بتواند به زندگی خلاق، رضایت بخش و سعادت‌مند دست یابد. (سالاری فر، ۱۴)

۳. تأثیر شاکله بر توسعه دانش در رشته‌های علمی

در دنیای کنونی پیشرفت و توسعه هر جامعه‌ای را بیش از هر چیز در گرو تربیت نیروهای انسانی کارآمدی می‌دانند که بتوانند با اندیشه پویا و خلاق خود، امکانات بالقوه موجود در آن جامعه را به امکانات بالفعل و قابل استفاده تبدیل نمایند. همچنین در جامعه باید افرادی پرورش یابند که برای اندیشیدن، نوآوری، شناخت و مقابله با موقعیت‌های دشوار ساخته شوند، لذا مطالعه شخصیت نیروی انسانی امروزه از اهمیت به‌سزایی برخوردار است به طوری که امروزه از روانشناسان خواسته می‌شود که از آزمون‌های شخصیت در کارهای استخدامی یا پذیرش مدیران استفاده کنند. (گنجی، آزمون‌های روانی مبانی نظری و عملی، ۲۵۱) همچنین به دلیل ارتباط معناداری که به نحوی بین شخصیت و عوامل تشکیل دهنده آن از قبیل رغبت‌ها، تواناییها، نیازها، خود پنداریها، و سایر ویژگی‌های شخصیتی در انتخاب رشته تحصیلی، شغل، انتخاب همسر و تشکیل خانواده و سلامت جسمی و روانی وجود دارد، داشتن قالب‌شناختی جامع و مناسب از خویشتن و محیط، منجر به رشد و تعالی فرد و جامعه شده، به طوری که هر قدر فرد نسبت به تواناییها،

استعدادها و دیگر خصوصیات شخصیت خود اطلاعات بیشتری داشته باشد، انتخاب هایش صحیح‌تر انجام می‌گیرد. (حسینیان، ۳۵)

"شاکله" از آنجایی اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم، در علوم مختلفی چون جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، علم مدیریت، روانشناسی و روان‌کاوی و غیره آن چیزی که مبنا و محور مطالعات اندیشمندان قرار می‌گیرد شخصیت افراد می‌باشد. اگر چه اطلاع از درون انسان‌ها و شاکله آنان کاری بس دشوار است، اما شناخت شاکله، روزه‌های بسیار گویا دارد و آن رفتارهای بارز افراد است. مطالعه خاص رفتار فرد یک نوع تعیین شخصیت، او می‌باشد و از این رو با شناخت رفتار فرد، می‌توانیم پیش‌بینی کنیم که از این شخص با این نوع شخصیت در موقعیت‌های مختلف چه نوع رفتاری بروز می‌کند. لیکن اندیشمندان علوم مختلف برای پاسخ به بسیاری از مسائل پیرامون حوزه دانش خویش، چاره‌ای جز شناخت شخصیت افراد ندارند.

از جمله حوزه‌هایی که در آن شخصیت افراد به صورت مستقل مورد پژوهش و تحقیق قرار می‌گیرد علم روانشناسی و سلامت روان می‌باشد. شخصیت را شاید بتوان اساسی‌ترین موضوع علم روانشناسی دانست، زیرا محور اساسی بحث در زمینه‌هایی مانند: یادگیری، انگیزه، ادراک، تفکر، هوش، عواطف و احساسات و مواردی از این قبیل است. به عبارتی دیگر موارد فوق‌الذکر اجزاء تشکیل‌دهنده‌ی شخصیت به حساب می‌آیند. به عبارت دیگر، موضوع شخصیت مانند دیگری است که تمام مواد و مخلفات روانشناسی در آن پخته می‌شود. (سعید شاملو، مکتب‌ها و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت، ۱۱) امروزه همچنین بسیاری از روانشناسان و روانکاوان علل بسیاری از رفتارهای جنایی و تبهکاری را در شخصیت فرد جستجو می‌کنند و بر این باورند که دو عامل شکل‌دهنده شخصیت یعنی وراثت و محیط نقش اساسی و کلیدی در بروز رفتارهای ناپه‌نجا و حتی تبهکارانه و جنایی دارند. به طوری که برخی از گونه‌های شخصیت بیشتر از گونه‌های دیگر گرایش به تبهکاری و ارتکاب جرم دارند. (ستوده، ۷۴)

علامه نیز "شاکله" را زیر ساخت و علت درونی رفتار دانسته؛ و در اهمیت آن می‌فرماید: «عمل هر چه باشد مناسب با اخلاق آدمی است، بنابراین نسبت آن به عمل نظیر روح جاری در بدن است که بدن با اعضا و اعمال خود آن را مجسم نموده و معنویات او را نشان می‌دهد.» (طباطبایی، المیزان، ۱۳/۱۸۹) بنابراین شناخت شاکله می‌تواند منافع بسیاری در حوزه‌های مختلفی چون انسان‌شناسی، حوزه‌های تربیتی و روانشناسی و حتی روانشناسی اجتماعی برای شناسایی و درمان اختلالات روانی و رفتاری را عاید ما نماید.

ع. گذری بر دیدگاه علامه طباطبایی در مفهوم شاکله

علامه در ذیل این آیه با ذکر تفاسیر مختلف ارائه شده از مفهوم شاکله و بعضاً نقد آنها به دنبال ارائه تعریفی جامع و مبنایی از این مفهوم می‌باشد. ایشان در تفسیر المیزان شاکله را به خلق و خوی، صفت روحی و یا شخصیت مکتسبه تفسیر می‌کند: «الشاکله بالمعنی الثانی و هی الشخصیه الخلقیه الحاصله للانسان من مجموع غرائزه و العوامل الخارجیه الفاعله فیه» (همو، ۱۹۳) و در ادامه ذیل این آیه شریفه می‌فرمایند: «"شاکله" به طوری که در مفردات گفته شده از ماده شکل می‌باشد که به معنای بستن پای چارپا است و آن طنابی را که با آن پای حیوان را می‌بندند "شکال" (به کسره شین) می‌گویند و "شاکله" به معنای خوی و اخلاق است و اگر خلق و خوی را شاکله خوانده‌اند، بدین مناسبت است که آدمی را محدود و مقید می‌کند و نمی‌گذارد در آنچه می‌خواهد آزاد باشد، بلکه او را وادار می‌سازد تا به مقتضا و طبق آن اخلاق رفتار کند. آیه کریمه، عمل انسان را مترتب بر شاکله او دانسته، به این معنا که عمل هرچه باشد، مناسب با اخلاق آدمی است؛ چنانچه در فارسی گفته‌اند "از کوزه همان برون تراود که در اوست" پس شاکله نسبت به عمل، نظیر روح جاری در بدن است که بدن با اعضا و اعمال خود آن را منسجم نموده و معنویات او را نشان می‌دهد. و این معنا هم با تجربه و هم از راه بحث‌های علمی به اثبات رسیده که میان ملکات نفسانی و احوال روح و میان اعمال بدنی، رابطه خاصی است. (طباطبایی، المیزان،

۲۶۲/۱۳) از مجموع مطالب ارائه شده توسط علامه در ذیل مفهوم شاکله اهم نکاتی که انگیزش این نوشتار را موجب گردیده، قابل ذکر می‌باشد:

۱. علامه بر این باور است که تکرار اندیشه و عمل، نخست حالت است و سپس عادت می‌گردد و به تدریج ملکه می‌شود و این ملکات که مستند به عوامل اختیاری اند، به اعمال انسان شکل می‌دهند. از این رو ایشان شاکله را شخصیت اکتسابی متشکل از مجموعه‌های غریز و عوامل تربیتی و اجتماعی انسان می‌داند. (همو، ۱۸۶)
۲. این تعریف مبنایی و جامع از مفهوم شاکله از سوی علامه امکان طرح بسیاری از مباحث میان رشته‌ای در حوزه‌های مختلف علوم از جمله فلسفه و عرفان، اخلاق و تربیت، جامعه‌شناسی و روانشناسی را در عصر حاضر فراهم آورده است و بسیاری از اندیشمندان علوم دیگر را بر آن داشته است تا در پاسخگویی به پرسش‌ها و حل مسائل پیرامون حوزه تخصصی خویش، این آیه و مفهوم را مبنا و محور تحقیقات و پژوهش‌های خود قرار دهند.
۳. ایشان عوامل تشکیل دهنده شاکله هر انسانی را مرکب از دو چیز یعنی ویژگی‌های ارثی و ژنتیکی و ویژگی‌های اکتسابی می‌داند که، بیشترین تأثیر را بر نحوه عملکرد انسان دارد. موضوعاتی که امروز در علم ژنتیک و روانشناسی از آن بحث می‌شود. (همو، ۲۶۵-۲۶۶)
۴. ایشان از جمله اندیشمندان اسلامی می‌باشد که با تفسیر شاکله به ملکات و احوال اکتسابی دل انسان و قرار دادن آن به عنوان زیر ساخت و علت درونی رفتار به نوعی از نگاه فلسفی و عرفانی به این مفهوم فاصله گرفته و پای مباحث روانشناسی و آنچه مربوط به حوزه سلامت روان افراد می‌باشد را میسر کرده است. (همو، ۱۸۹)
۵. از دیدگاه علامه ملکات است که به اعمال انسان شکل می‌دهد و خط او را در زندگی مشخص می‌سازد، مشروط بر اینکه پیدایش آن مستند به عوامل اختیاری باشد. پس هر کس روی عوامل مخصوص استعدادی و طبیعتی کسب می‌کند که اعمال و کارهایش مطابق همان طبیعت از او صادر می‌شود و عوض کردن اگرچه بسیار مشکل است ولی سلب اختیار نمی‌کند.

۶. بحث بیماری‌ها و اختلالات روانی و همچنین علل و نحوه شکل‌گیری آن یکی از مباحث مهم علم روانشناسی می‌باشد که همواره ذهن اندیشمندان حوزه سلامت را درگیر خود کرده است. بنابراین علامه با ارائه تفسیری جامع از آیه و تعریفی نو از شاکله علاوه بر برقراری ارتباط هر چه بهتر بین این دو دانش توانسته است پاسخگوی پرسش‌های پیرامون یکی از مهمترین مباحث علم روانشناسی و روانشناختی یعنی اختلالات و معضلات روانی افراد باشد.

۵. شاکله و نسبت آن با اعمال انسان

حال سوالی که مطرح است این است که آیا بین شاکله یک انسان و رفتارش پیوند و ارتباطی برقرار است؟ و در نتیجه هر یک از آن دو بر روی دیگری تاثیر گذار است؟ در قرآن آیاتی وجود دارد که انسان و نفس او را در گرو اعمالش معرفی کرده است: «كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ» (الطور، ۲۱)؛ هر کس در گرو عملی است که کرده. و در آیه دیگر می‌فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» (المدثر، ۳۸)؛ هر کسی در گرو عملی است که انجام داده است. کلمه "رهن" و "رهین" و "مرهون" به طوری که راغب بیان کرده هر سه به معنای آن چیزی است که به عنوان وثیقه و گرو به کسی می‌دهی و از او چیزی قرض می‌کنی. راغب می‌گوید: و چون هر جا این کلمه به چشم بخورد تصویری از معنای حبس و نگهداری به ذهن می‌رسد، لذا این کلمه را در حبس هر چیزی نیز استعمال کردند، هر چند که ربطی به وثیقه نداشته باشد. (مفردات راغب، ماده "رهن")

طبق مفاد این آیات بین انسان با رفتار نیک و بدش هیچ انفصالی وجود ندارد رفتار هر کسی ملازم و همراه او است، و هرگز از او جدا نمی‌شود، خواه عمل نیک باشد یا بد؟ و این اعمال و رفتار اوست که، هویت او را شکل داده و مبنایی برای پاداش و مجازات او در آخرت محسوب می‌گردد.

استاد جوادی آملی شاکله هر انسانی را معیار مواخذه الهی دانسته و می‌فرماید: بین شاکله انسان و افعال او، رابطه‌ی علی و معلولی دو طرفه برقرار است؛ یعنی هم شاکله

انسان، منشأ صدور افعال اوست و هم اینکه افعال او به تدریج شاکله وی را می‌سازند؛ چون اگر چه بخشی از شاکله انسان از طریق خصلت‌های ژنتیکی به او تحمیل می‌شود، بخش دیگر شاکله او (ملکات مکتسب) به وسیله‌ی افعال و رفتار اختیاری انسان ساخته می‌شود. این بخش از شاکله انسان می‌تواند بخش اول شاکله (خصلت‌های ژنتیکی) را هم تحت تاثیر و تغییر قرار بدهد. (جوادی آملی، صورت و سیرت انسان در قرآن، ۳۴۰؛ مبادی اخلاق در قرآن، ۱۷۷)

علامه طباطبایی فعل را مرتبه‌ی نازل فاعل و فاعل را مرتبه‌ی عالی‌ه فعل دانسته و معتقد هستند که بین فعل و فاعل رابطه‌ی سنخیت و علت و معلول برخوردار است. همان طور که عمل انسان مبتنی و بر اساس شاکله اش است، اعمال انسان در شکل‌گیری شاکله نقش مهمی دارد. بدین معنا که آن چیزی که باعث شکل‌گیری شاکله هر فردی می‌گردد اعمال اوست. منظور از عمل نیز افعال ارادی انسان می‌باشد. که از روی قصد و نیت و غرض صورت می‌گیرد. رفتار و اعمال فرد وقتی تکرار شده و به صورت عادت درمی‌آید، به صورت ملکه برای جان انسان در آمده و به عبارت دیگر تبدیل به ملکات نفسانی برای نفس می‌شود. (طباطبایی، المیزان، ۴۲۳/۱۳)

بنابراین می‌توان گفت شاکله انسان همان چیزی است که رفتار او را سمت و سو می‌بخشد رنگ و بوی شخصیت هر کس را می‌توان در رفتار او دید و استشمام کرد. عمل انسان، (که شامل رفتار و گفتار می‌شود) صورتی است از شخصیت درونی انسان، زیرا عمل نشانگر عناصری ذاتی است که در افکار، احساسات، روش‌ها و روابط شخص تبلور می‌یابد. چه، انسان براساس انگیزه‌های فکری، روانی و عاطفی که زندگی را جهت می‌بخشد، عمل می‌کند. (علوی نژاد، روانشناسی شخصیت از دیدگاه قرآن، ۱۹)

۶. تبیین دلالت‌های روانشناسی مفهوم شاکله در پرتو تحلیل دیدگاه علامه

در این زمینه نکات رهگشای روانشناسی مهمی از تبیین و تحلیل مفهوم شاکله به دست

می‌آید که توجه به آنها می‌تواند بهترین برنامه در حوزه سلامت روان محسوب گردد. هریک از این نکات را می‌توان به صورت جداگانه و مستقل مورد بحث و بررسی قرار داد و در پرتو واکاوی ارتباط بین شاکله و سلامت روان پی به مسائل مهمی در زمینه امراض و اختلالات روانی برده و از خلال آن به حل بسیاری از مشکلات و معضلات فردی و اجتماعی انسان پرداخت. بنابراین در این مجال تنها به‌طور خلاصه به مهمترین نکات رهگشای روانشناسی از منظر علامه که ارتباط ملموسی با حوزه سلامت روان دارد پرداخته می‌شود:

۱-۶. بروز بیماری‌های روانی تابع اصل کلی روابط علت و معلول می‌باشد. علل بیماری‌های روانی را روانشناسان معمولاً به دو دسته تقسیم می‌کنند: ۱. علل جسمانی (شامل عوامل ارثی، مادرزادی، شرایط فیزیکی و فیزیولوژی) یا محیط داخل ۲. علل محیطی یا محیط خارج (شامل عوامل فرهنگی، اقتصادی، فشارهای روانی و ...). نکته قابل ذکر اینکه هنوز میزان و سهم اثر عوامل فوق در ایجاد بیماری‌های روانی معلوم نیست، ولی آنچه معلوم است این است که این دو عامل اثر متقابل و مکمل بر یکدیگر دارند. این خود چند علتی بودن بیماری‌ها و اختلالات روانی را تایید می‌کند. (میلانی فر، ۵۲)

چنانکه در مورد شاکله نیز گفتیم که "شاکله" عبارت است از ساخت و هیئت واحد روانی انسان که در اثر تعامل وراثت و محیط شکل گرفته است. بنابراین نحوه ی تشکیل این ساخت در سلامت و بیماری و نیز تکامل آن بسیار موثر است. موضوعی که علامه نیز به آن اشاره داشته و شاکله هر انسانی را مرکب از دو چیز یعنی ویژگی‌های ارثی و ژنتیک و ویژگی‌های محیط می‌دانند. (طباطبایی، المیزان، ۱۳/۲۶۵-۲۶۶) در نتیجه برای پی بردن به علل و عوامل بسیاری از بیماری‌ها و امراض روانی نظیر استرس، اضطراب، فشارهای روانی، ترس و حتی خودکشی باید به شاکله افراد مراجعه و از طریق شناخت عوامل بیرونی و درونی شکل دهنده آن به درمان آن‌ها پرداخت.

۲-۶. اعمال انسان (که شامل گفتار و رفتار می‌شود) ظاهری است که باید آن را در پرتو باطن فهمید رفتار افراد پدیده‌هایی تصادفی و رخدادهایی کورکورانه نیستند؛ بلکه

توجه به پیوند بین این ظاهر و آن باطن می‌تواند کنش نسبتاً پایدار و پیش‌بینی‌پذیری را از افراد ترسیم کند. بر این پایه، می‌توان با واکاوی و سنجش آن باطن (شاکله) به پیش‌بینی و کنترل بسیاری از رفتارهای ناپه‌نجانار و بیماری‌های روانی نائل آمد. علامه براساس آیات قرآن کریم، شخصیت را علت پیدایش رفتارها معرفی می‌کند. نوع شخصیت و قالب روانی انسان، موجب پیدایش رفتارهای خاص با کیفیت خاص می‌شود. انسان به هر شکل شخصیتش را ساخت همان طور عمل می‌کند. (همو، ۱۸۳-۴۱۳)

نظریه پردازان صفات، شخصیت انسان را دارای سازمانی با سلسله مراتب می‌دانند. یعنی سطوحی را برای شخصیت در نظر می‌گیرند و آن را طبقه بندی می‌کنند. در این طبقه بندی چهار سطح برای شخصیت در نظر گرفته می‌شود؛ سطح شناخت‌ها و گرایش‌های هسته‌ای، سطح مربوط به خصلت‌های پایدار، سطح شکل‌گیری عادات و صفات رفتاری و نهایتاً سطح مربوط به رفتارهای روزمره، افکار و احساسات. (پروین، ۱۸۸) لذا بررسی ابعاد و سطوح مختلف شخصیت و تشخیص آن در بسیاری از موارد موجب روشن شدن علل بیماری‌های روانی، چگونگی گسترش و تجلیات آنها می‌شود. (گنجی، آزمونهای روانی مبانی نظری و عملی، ۲۵۱)

۳-۶. هر عملی که از انسان سر می‌زند و شاکله او را تشکیل می‌دهد فرآیندی را طی می‌کند که اصولاً اخلال در این فرآیند طبیعی منجر به شکل‌گیری شاکله ناسالم و زمینه بروز انواع اختلالات روانی در افراد را فراهم می‌آورد. علامه فرآیند صدور یک فعل از انسان را شامل چهار مرحله می‌داند که به ترتیب عبارت است از: ۱. گرایش فطری حبّ ذات؛ ۲. جستجوی ذهن برای اعمالی که بقای سعادت‌مندانۀ ذات را تأمین می‌کند (تصور فعل)؛ ۳. ارزیابی و سنجش فعل از جهت مفید بودن یا نبودن برای تأمین بقای سعادت‌مندانۀ ذات (سنجش حسن و قبح فعل)؛ ۴. تصدیق به مفید بودن یا نبودن فعل برای تأمین بقای ذات. (طباطبایی، المیزان، ۱۸۵/۲) مهمترین مرحله در این فرآیند سوم است که انسان باید حسن و قبح فعل تصور شده را از جهت مفید، مضر یا خنثی بودن بسنجد. در

این مرحله، چگونگی شاکله انسان بسیار دخیل و موثر است. اگر انسان بتواند در این قضاوت و سنجش، از عقل فطری خود بهره گیرد می‌تواند همان را تشخیص دهد که حق است. (طباطبایی، المیزان، ۲۸/۷-۲۷؛ جوادی آملی، تفسیرانسان به انسان، ۳۱۴-۳۳۷)

روانشناسان نیز از فرآیند صدور فعل تحت عنوان سازمان دهی یاد می‌کنند فرآیندی که اساساً از سه مرحله تشکیل شده است که به ترتیب عبارتند از: ۱. جذب (دریافت محرک های محیطی) ۲. هضم (تجزیه و تحلیل) ۳. انطباق (ارتباط موجود زنده با محیط). مهمترین مرحله در این فرآیند سازمان دهی نیز مرحله سوم است که در آنجا نحوه قرار گرفتن محرک های برون زاد و درون زاد در سازمان شخصیت آدمی، اتفاق می‌افتد به طوری که اگر سازمان دهی محرک های برون زاد و درون زاد بدون ایجاد اختلال ادامه یابد، شخصیت از رشد کافی برخوردار بوده و سلامت خود را حفظ خواهد کرد. در حالی که ادامه چنین روندی برای شخصیت انسان در اکثر مواقع به دلیل عوامل متعددی امکان پذیر نیست و به عبارتی این عوامل موجب ایجاد اختلال در سازمان دهی شخصیت آدمی می‌شود. اختلالات رفتاری و بیماری‌های روانی انسان به طور عمده ناشی از به هم ریختگی سازمان روانی انسان است. (احمدی، ۷۵-۸۶)

۴-۶. آشکارترین نمود و ظهور شاکله در "کنش" و "رفتار" رخ می‌دهد. رفتار و عمل روانی در اصطلاح غربی فونکسیون نامیده می‌شود و عبارت است از نمودها و فعالیت های روانی که بر مبنای عوامل مؤثر به وجود می‌آید. (جعفری، ۱۶) مطالعه خاص رفتار فرد یک نوع تعیین شخصیت او می‌باشد از این رو با شناخت رفتار فرد، می‌توانیم پیش بینی کنیم که از این شخص با این نوع شخصیت در موقعیت های مختلف چه نوع رفتاری بروز می‌کند. از این رو علامه در ذیل آیه شاکله به این قاعده فلسفی اشاره می‌کند و می‌فرماید: حکما گفته‌اند که میان فعل و فاعلش که عنوان معلول و علت را دارند سنخیتی وجودی و رابطه‌ای ذاتی است که با آن رابطه وجود عمل طوری جلوه می‌کند که گویا یک مرتبه نازل و درجه‌ای پائین تر از وجود فاعل است، همچنین این سنخیت و رابطه مذکور و به عکس

وجود فاعل را چنان جلوه می‌دهد که گویا مرتبه عالی‌های از وجود فعل است، بلکه بنابر اصالت وجود و تشکیک آن نیز، مطلب از همین قرار است. (طباطبایی، ترجمه المیزان، ۲۸۶/۱۳) یعنی عمل انسان مرتبه نازل‌ه شاکله و شخصیت اوست و می‌توان از صفات فعلی نفس به صورت علمی و صفات درونی و نیات او پی برد.

روانشناسان معمولاً نوع اختلالات شخصیت را که عبارت است از نارسایی در تکوین، رشد، تکامل شخصیت و یا داشتن گرایش‌های مرضی در ساختمان شخصیت را از نوع الگوهای رفتاری که شخص در طی زندگی از خود نشان می‌دهد مشخص می‌کنند. (شاملو، بهداشت روانی، ۱۲۸) لذا بررسی و تبیین خصوصیات رفتاری هر فرد، که آمیخته‌ای از تأثیرات وراثت و محیط است می‌تواند راهی باشد جهت شناسایی و درمان انواع امراض و معضلات روانی.

۵-۶. چنانکه گفته شد عوامل تشکیل دهنده شاکله انسان مرکب از دو چیز یعنی عوامل بیرونی و درونی می‌باشد، انسان در جریان تشکیل شخصیت خود محرک‌هایی را که جذب، هضم، انطباق و مورد سازمان دهی قرار می‌دهد به صورت خودآگاه و ناخودآگاه می‌باشد. می‌توان گفت که شاکله انسان هم بخش خود آگاه و هم ناخودآگاه را شامل می‌شود ولی به نظر می‌رسد بخش اعظم شاکله انسان یعنی تجارب، یادگیری‌ها، تفکرات، خردورزی‌ها، استدلال‌ها و قضاوت‌ها عمدتاً به صورت ناهشیار و ناخودآگاه شکل می‌گیرد و همین قسمت از شخصیت می‌باشد که نقش تعیین کننده‌ای در شکل دهی رفتار و حتی سبک زندگی و هماهنگ کننده آن با اهداف است. (جوانمرد، ۱۳۴-۱۳۶)

علامه نیز بیشتر ملکات و قواعد ذهنی که بر رفتار انسان تأثیر می‌گذارد را ناشی از قسمت ناخودآگاه و ناهشیار شاکله انسان می‌دانند و می‌فرمایند: افراد معمولاً طبق ملکات و قواعد ذهنی خود عمل می‌کنند، بدون اینکه به این ملکات، که گاهی منحرف از واقعیت نیز هستند، توجه داشته باشند. همچنین عادات و ویژگی‌های شخصیتی که گاهی پیش هشیار و گاهی ناهشیارند، بر رفتار تأثیر گذارند. این به دلیل ویژگی‌های ناهشیار فرد

است. این ویژگی‌ها شامل اعتقادات، عادات و صفات شخصیتی و اخلاقی فرد می‌شود که فرد به آنها هشیاری ندارد، اما طبق آنها عمل می‌کند. (طباطبایی، المیزان، ۱۶۲/۱۹)

در روانشناسی شخصیت نیز، میزان تأکید نظریه پردازان بر نقش عوامل هشیار و ناهشیار در شکل دهی رفتار، یکی از ابعاد نظریه است. از آنجایی که اعمال افراد مترتب بر شخصیت و به نوعی تبلور و جلوه‌ای از آن می‌باشد لذا شناخت بخش‌های مختلف شخصیت و میزان اثر گذاری هر کدام از آنها می‌تواند تأثیر مهمی در نحوه‌ی مواجهه با بیماران و آسیب شناسی هر چه بیشتر امراض و ناهنجاری‌های رفتاری داشته باشد. (بشیری، ۱۷۷-۱۷۹)

۶-۶. در انسان یک نوع آگاهی وجود دارد که عبارت است از آگاهی به من یا روح در مجموع هستی هدفدار. این یک آگاهی فوق‌العاده سازنده است که انسان بداند که به اضافه‌ی لزوم افزایش روشنایی‌های او درباره‌ی خویشتن، یک نوع روشنایی در موجودیت انسانی لازم است که اگر به وجود بیاید، وجود تاریکی‌ها و مجهولات، مزاحم حیات او نیست. یعنی حیات به جهت تغذیه از آن آگاهی والا خود را تباه نمی‌بیند. (جعفری، ۱۹۷-۱۹۸) انسان هر چقدر نسبت به فرآیند شکل‌گیری شاکله خود، خودآگاهی داشته باشد به همان اندازه می‌تواند در سازمان‌دهی محرک‌های محیطی دخالت کرده و به آنها سازمان دهی معقول ببخشد. درون ناخودآگاه انسان سازمان‌های متعددی که ناراست بوده و بیماری‌زا هستند و نیز مجموعه‌هایی که فرآیند پویایی خویش را از دست داده و تبدیل به عقده‌های روانی گشته‌اند، کم نیستند. این آگاهی و سازمان‌دهی معقول می‌تواند سازمان‌های معیوب و ناراست را سالم ساخته و عقده‌های ناگشوده را بگشاید، و سالم‌سازی روانی نیز در اصل ناشی از همین آگاهی است در صورتی که محتوای ناهشیار انسان توسط عقل وارد حیطه خودآگاه نگردد بلکه مورد سرکوب قرار گیرد باعث بروز بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری در شخصیت افراد خواهند شد. (احمدی، ۲۰۰) بنابراین انسان اگر بتواند خودآگاهی خود را نسبت به محرک‌های محیطی افزایش دهد می‌تواند

دردها و درمان‌های خویش را شناخته و متناسب با آنها روش‌هایی را جهت مصون ماندن از این نوع امراض اتخاذ کند.

۶-۷. آخرین صورت نوعیه نفس انسانی یا شاکله برخاسته از اعمال اختیاری، آخرین سیرکمالی نفس است؛ ولی ظهور اعمال و آثار نفس که متناسب با صورت راسخه اخیر است، به معنای معدوم شدن صورت‌های اکتسابی پیشین نیست؛ بلکه صورت‌ها به نحو لبس علی‌اللبس کسب می‌شوند اما در ظرف اختیار، صورت راسخه غلبه داشته و مصدر افعال جدید می‌شود. (حاج علی لالائی، ۴۶) موضوعی که علامه طباطبایی در ذیل آیه شاکله تحت عنوان سنخیت وجودی بین علت و معلول به عنوان یک قاعده فلسفی بحث می‌کنند. (طباطبایی، المیزان، ۱۳/۱۹۴) بنابراین انسان به دلایل متعدد، تمامی محرک‌هایی را که از طریق گیرنده‌های حسی اخذ می‌کند، نگه داری می‌نماید که بسیاری از این صورت‌های کسب شده بعداً به صورت عادت درآمده و در صورتی که به آن‌ها توجه نشود منشأ بروز انواع اختلالات و نابهنجاری‌های رفتاری در افراد می‌گردند.

۷. ریشه و علل امراض و اختلالات روانی

امروزه این مطلب ثابت شده است که ممکن است انسان از نظر جسمی و بدنی و حتی اعصاب سالم باشد ولی در عین حال از نظر روانی بیمار باشد مثلاً به قول امروزی‌ها عقده‌ی روانی داشته باشد. واقعاً علم امروز به کسی که عقده روانی دارد، "بیمار" می‌گوید؛ یعنی در دستگاه روانی او اختلال پیدا شده است بدون اینکه اختلالی در دستگاه جسمی او پدید آمده باشد. لهذا این نوع بیماری‌ها را از راه جسم نمی‌توان درمان کرد. امروزه دانشمندان به این نتیجه رسیده‌اند که حتی گاهی بیماری‌های جسمی از راه روان معالجه می‌شود، همچنان که گاهی بیماری‌های روانی از راه جسم معالجه می‌شود. بنابراین انسان موجودی است مرکب از تن و روان، و روان انسان از تن استقلال دارد و یک تابع مطلق از تن نیست همچنانکه تن تابع مطلق از روان نیست این دو در یکدیگر اثر دارند. به قول حکما: «النفس و البدن يتعاکسان ایجاباً و اعداداً» بدن در روان اثر می‌گذارد و روان در بدن. (مطهری، ۱۹-۲۰)

امروزه عدم سازش و وجود اختلالات رفتار در جوامع انسانی بسیار مشهود و فراوان است. در هر طبقه و صنفی و در هر گروه و جمعی، اشخاص نامتعادلی زندگی می‌کنند. بنابراین در مورد همه افراد، اعم از کارگر، دانش پژوه، پزشک و مهندس، زارع، استاد دانشگاه و غیره، خطر ابتلاء به ناراحتیهای روانی وجود دارد. به عبارت دیگر، هیچ فرد انسانی در برابر این گونه از امراض مصونیت ندارد. (سعید شاملو، آسیب‌شناسی روانی، ۱۱) به راستی ریشه و علت این همه خشونت‌ها، استرس‌ها، افسردگی‌ها و جنایت‌ها و ... چیست؟ یکی از دانش‌هایی که به دنبال ریشه‌یابی این قبیل امراض روانی می‌باشد علم روانشناسی و سلامت روان است که نه تنها علاقه مند است که بداند که چگونه رفتار بشر به وجود می‌آید، بلکه مایل است بفهمد که دلایل این رفتارها چیست؟ ریشه‌یابی و علت‌یابی امراض اولین مرحله درمان می‌باشد به همین خاطر نخستین کاری که قرآن در وجود انسان می‌کند ریشه‌یابی بیماری و سپس پاکسازی درون انسان‌ها از انواع بیماری‌های فکری، اخلاقی و اجتماعی است. بدون شک بیماری‌های روحی و اخلاقی انسان، شباهت زیادی با بیماری‌های جسمی او دارد، هر دو کشنده است، هر دو نیاز به طبیب و درمان و پرهیز دارد، هر دو گاهی سبب سرایت به دیگران می‌شود، هر دو باید ریشه‌یابی شوند و پس از شناخت ریشه اصلی باید به درمان هر دو پرداخت. هر دو گاهی به مرحله‌ای می‌رسند که غیر قابل علاجند ولی بیشتر موارد می‌توان آنها را درمان کرد. (مکارم شیرازی، ۲۳۹/۱۲)

در زمینه درمان یا منشأ بیماری‌های روانی نیز، به تبع نگرش‌های فکری، مکتب‌های گوناگونی وجود دارد (شاملو، آسیب‌شناسی روانی، ۳۴-۴۴؛ ناروئی نصرتی، ۱۰-۱۴) که حکایت از وجود نوعی از پراکندگی آراء در این مسئله را می‌رساند. در این خصوص عوامل متعدد و متنوعی را می‌توان در نظر گرفت که موجب این همه آراء و عقاید مختلف در این موضوع شده است. ولی به نظر می‌رسد که علت اصلی این است که روان‌شناسان مهم‌ترین و اساسی‌ترین استعداد روان را نادیده می‌گیرند و می‌خواهند مختصات آن استعداد را با اصول کاملاً طبیعی نفس تفسیر کنند. و این تفسیر نابجا آنان را به مشکلاتی لاینحل

دچار می‌کند و برای تسلیت خود در برابر آن مشکلات می‌گویند: «همه‌ی این مشکلات را آینده حل خواهد کرد». در حالی‌که اگر روان‌شناسان قرون متأخر و متصدیان دیگر علوم انسانی در شناسایی واقعی روان آن چنانکه هست و آن‌طور که باید گامی مؤثر برداشته بودند، در حدود پنجاه درد بی‌درمان دامنگیر حیات بشری نمی‌شد. اکثر این دردهای بی‌درمان در زمان‌های ماقبل این روان‌شناسی‌ها و علوم انسانی، یا وجود نداشتند، یا اگر هم وجود داشتند، به قدری سطحی و محدود بودند که حیات انسان‌ها را با خطر پوچی تهدید نمی‌کردند. (جعفری، ۲۹)

خداوند متعال که قرآن را به عنوان شفای آنچه در دل‌ها و افکار است معرفی می‌کند در خصوص علل و سبب نابهنجاری‌های رفتاری نیز برنامه و دستورالعمل جامعی دارد که توجه به آن می‌تواند راهگشای پیشگیری و درمان بسیاری از این قبیل امراض روانی باشد. بعد از اینکه به این نتیجه رسیدیم که بین شاکله و رفتار افراد ارتباط مستقیمی وجود دارد به نحوی که هر یک بدون تأثیر از هم نیستند. حال می‌توان گفت که بین شاکله هر فرد با سلامت خود نیز ارتباط تنگاتنگی وجود دارد به نحوی که ریشه بسیاری از نابهنجاری‌های رفتاری که فرد در طول زندگی با آن دست و پنجه نرم می‌کند را باید ریشه در شاکله و نحوه‌ی شکل‌گیری آن که، عوامل متعددی مؤثر هستند جستجو کرد.

۸. تغییر و تحول شاکله

قبل از ارائه راهکار برای درمان و پیشگیری نوسانات رفتاری و روانی باید به این پرسش اساسی پاسخ داد که، آیا ماهیت انسان و به تبع آن شاکله او، دائماً در حال تغییر و تحول است؟ یا بالعکس ساختمان اولیه زیر بنای شخصیت ثابت است و تغییراتی که احیاناً در افراد می‌بینیم، روبنایی و سطحی است؟

از مجموع آیات قرآن چنین برمی‌آید طبیعت انسان دائماً در حال تغییر و تحول است. این تغییر و تحول در مقاطعی از عمر مثل دوران کودکی و نوجوانی از شتاب بیشتری

برخوردار است و در دوران پیری از سرعت آن کاسته می‌شود.

به عقیده‌ی آلپورت روانشناس ویژه شخصیت، شخصیت هرگز امری ثابت نیست، بلکه همواره در حال «شدن» است. هر چند بین شخصیت هر فرد پیش از تجربه‌ی امری و شخصیت او پس از آن تجربه، آن قدر که حافظ هویت او باشد، شباهت وجود دارد، به یک معنا می‌توان گفت او هرگز همان فرد پیش از یک تجربه‌ی خاص نیست. شخصیت دارای سازمان و تداومی در درون شخص است. این سازمان دائم در حال تغییر یا تبدیل به چیز دیگر است. (بشیری، ۴۰۲)

افلاطون درباره‌ی سختی تغییر رفتار و شخصیت انسان‌ها معتقد است: هر صورت جدیدی بعد از مدتی که با ماده خود، قرین می‌شود، مجموعاً ماده‌ی ثانی برای صورت بعدی می‌شود و آن صورت بعدی هم که روی این مجموعه پدید می‌آید و مدتی با آنها عجین می‌شود، مجموعاً ماده برای صورت سوم و... می‌گردند. مثل اینکه خاک به صورت گیاه در می‌آید و گیاه وقتی رشد کرد، به صورت الواح، چوب‌ها و تخته‌ها و تخته‌ها به صورت تخت، میز تحریر و مانند آنها در می‌آید که به این ترتیب، هر کدام از اینها زمینه برای پذیرش صورت‌های بعدی است. بنابراین نفس با هر خصوصیتی که مانوس شود، زمینه برای صفت بعدی را پیدا می‌کند و آن صفت بعدی هم که مدتی در نفس می‌ماند برای پدید آمدن صورت طبیعی دیگری، زمینه و طبیعت می‌شود. (جوادی آملی، مبادی اخلاق در قرآن، ۸۵)

۹. پیشگیری و درمان اختلالات روانی

معمولاً در زمینه یافتن بیماری‌ها و دردها و رنج‌های انسانی، پژوهش‌های فراوان و کشف‌های جالبی صورت گرفته است و هر دسته از دانشمندان گوشه‌هایی از حقیقت را یافته‌اند؛ اما پای درمان که می‌رسد، نسخه‌ها چندان متعدد و شیوه‌ها و داروهای پیش نهادی چندان متفاوتند که جوای سلامت را در حیرتی بی‌انتها وا می‌گذارند.

امروزه بررسی و ارزیابی شخصیت به عنوان یکی از راهکارهای اساسی در پیشگیری

و درمان بسیاری از بیماری‌های روانی مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است. نظریه‌ها درباره شخصیت و کیفیت شکل‌گیری آن، در مکاتب متفاوت، مانند روانکاوی، رفتارگرایی و روانشناسی انسان‌گرا، یکسان نیست و هر کدام از آن‌ها با تعابیر مختلفی از شخصیت رشد یافته یاد می‌کنند. حال پرسش اساسی آن است که اگر راه پیشگیری و درمان بیماری‌های روانی منوط به تغییر شاکله است آیا قرآن در این زمینه دستورالعمل جامع و نسخه شفا بخشی برای انسان و رساندن او به سلامتی و کمال دارد؟

شاید لازم به یادآوری نباشد که روش قرآن محدود کردن خویش در بحث موضوعی و حرف‌های یک بار مصرف نیست، گاه از یک آیه کوتاه می‌توان در دانش‌های گوناگون و برای پرسش‌های مختلف پاسخ گرفت، بنابراین نباید انتظار داشت که قرآن به روش علوم مختلف، مطالب را به صورت پرسش و پاسخ و فصل بندی‌های اندازه‌گیری شده دسته بندی کند و سپس نتیجه بگیرد، اما در حوزه دانش‌هایی که جز رسالت قرآن است حرف‌های اساسی، زیر بنایی، جهش بخش و آموزنده را می‌توان در جای جای قرآن جست و از مجموع آنها پاسخ پرسش‌های خود را به دست آورد. (علوی‌نژاد، افق‌های کمال، ۱۹۱)

چنانکه گفته شد یکی از آیه‌های بسیار کوتاه، اما روشن بخش آیه (کل يعمل علی شاکلته) می‌باشد. هر کس بر همان اساسی حرکت و عمل می‌کند که شخصیت او شکل گرفته است. از توجه عمیق به این آیه نکته‌های زیادی استفاده می‌شود که بی تردید با مراجعه به آن بسیاری از علل ناسازگاری‌های رفتاری که اندیشمندان حوزه سلامت روان را درگیر خود کرده قابل حل می‌باشد.

با توجه به اینکه انسان در بدو تولد دارای شاکله سالم می‌باشد و به مرور زمان و به شکل تدریجی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل درونی (وراثت) و بیرونی (محیط) شکل خاصی به خود می‌گیرد. بنابراین ضرورت می‌نماید که با به کارگیری روش‌ها و راهکارهایی از شکل‌گیری و قوام شاکله ناسالم که زمینه و علت بروز بسیاری از بیماری‌های روانی می‌باشد جلوگیری کرد. در خصوص شکل‌گیری شاکله سالم و یا تغییر و

اصلاح آن از سوی اندیشمندان هر دو حوزه تحقیقات گسترده‌ای صورت گرفته است، و هر یک از آنها با توجه به حیظه کاری خود راهکارهایی را جهت اصلاح و تشکیل شاکله سالم ارائه کرده اند. ولی به دلایل شناخت ناکافی از انسان و خصوصاً نگاه برون دینی به مقوله سلامت روان هیچ کدام از این نظریه ها نتوانسته مؤثر باشد. با واکاوی مفهوم «شاکله» و با تدبر در آیات قرآن می توان به این نتیجه رسید که قرآن از بعد انسان شناسی راه حل های کلی و بنیادین را برای پیشگیری و درمان ناهنجاری های روانی انسان مطرح نموده است. که به مهمترین آنها اشاره می شود.

۹-۱. بازگشت به فطرت

خداوند یکی از راه های اساسی درمان بیماری های روانی را در بازگشت به فطرت می داند. فطرت، اصلی طبیعی، واقعی و جهان شمول است که به همه ی انسان ها مربوط می شود، نه به انسانی خاص و زمان و مکانی ویژه. از طرفی چون در بینش قرآن انحرافات روانی در انحراف از فطرت ریشه دارد، بازگشت به فطرت دارای جنبه ی روانی است. بر اساس بینش قرآن، خروج از فطرت و انحراف از دین حنیف ابراهیمی، نوعی بیمای روانی است که سفاقت خوانده می شود. انسان خارج شده از مدار فطرت به سان عنکبوتی است که به گرد خویش تار می تند، هر چه فعالیتش بیش تر می شود، اضطرابش هم فزون تر خواهد شد. حرکت در خارج مدار فطرت، انحرافی بزرگ است و سبب می شود قلب محجوب، نفس معیوب، عقل، مغلوب و هوا غالب گردد. در این موقعیت انسان دچار بسیاری از بیماری های روحی و روانی می گردد. (حسینی کوهساری، ۱۶۷-۱۶۸) علامه در تفسیر المیزان می فرمایند دین فطری را به این دلیل دین حنیف یا دین اعتدال خواندن که وقتی انسان از فطرتش منحرف می شود و تقوای دینی را مراعات نمی کند، تعادل قوای داخلی اش به طور محسوسی به هم می خورد و قوای ادراکی و عملکردش ناهنجار می شود. (طباطبایی، ترجمه المیزان، ۱۱۲/۵)

۹-۲. توبه

نخستین مرحله رسیدن به سلامت، تخلیه‌ی هیجانی از طریق توبه است. پیامبر(ص) می‌فرماید: آیا می‌خواهید دارو و درد و بیماری را به شما اعلام کنم؟ عرض کردند آری، یا رسول الله فرمود: درد و بیماری شما گناهان است و داروی گناهان توبه. (شرقاوی، ۲۹۷)

درباره نقش توبه در اسلام باید گفت: جبران گذشته، اصلی عقلانی است. بسیاری از امراض و ناسازگاری‌های روانی رهاورد سرزنش فطرت در برابر گناهان است. تا این سد شکسته نشود، نگرانی نیز دائماً افزایش می‌یابد. راه درمان این نوع اختلالات توبه است؛ خداوند توبه‌ی بندگانش را می‌پذیرد و توبه‌کنندگان مانند بی‌گناهان، محبوب خداست. وقتی انسان از گذشته پشیمان شود و راه توبه پیش گیرد، اضطراب و فشار روانی‌اش کاهش می‌یابد و به آرامش می‌رسد. اعتراف مؤمن به گناه و توبه به درگاه خداوندی او را از کوشش برای دور نگه داشتن فکر گناه از ذهن به منظور رهایی از ناراحتی روانی ناشی از احساس گناه باز می‌دارد. (حسینی کوهساری، ۲۱۵-۲۱۶)

کسانی که ایمان ندارند برای دور نگه داشتن فکر گناه از ذهن به سرکوب ضمیر ناخودآگاه خود می‌پردازند این سرکوب فکر گناه باعث نمی‌شود که آن نیروی انفعالی احساس پستی و حقارتی که همراه فکر گناه وجود داشته است نیز از میان برود. بنابراین نیروی انفعالی مزبور به شکل اضطرابی مبهم و پیچیده در انسان بروز می‌کند و در نتیجه انسان سعی می‌کند با پناه بردن به عوارض برخی از بیماری‌های روانی از شدت آن بکاهد. به همین دلیل است که یادآوری گناه توسط انسان و اعتراف به آن و توبه باعث جلوگیری از سرکوب ناخودآگاه احساس گناه می‌شود، زیرا این گونه سرکوب کردن موجب ایجاد اضطراب و بروز عوارض بیماری‌های روانی می‌گردد. (یران، ۱/۱۱۰)

۹-۳. خودسازی و تهذیب نفس

تهذیب نفس و خودسازی را می‌توان یک دستورالعمل جامع و رهگشا و بهترین راهکار

نظری و عملی در جهت شکل‌گیری شاکله سالم و درمان اختلالات روانی دانست. به عبارتی می‌توان گفت که هیچ بیماری و عارض روانی نیست که با تزکیه و خودسازی قابل درمان نباشد. بسیاری از متفکران و نویسندگان اسلامی از جمله علامه طباطبایی که خود به عنوان یک عارف، مسیر تزکیه و تهذیب نفس را پیموده‌اند، این نظر را که خودسازی و تهذیب نفس تامین‌کننده آرامش و سلامتی روانی یا عامل بازدارنده بسیاری از بیماری‌های روانی است، مورد توجه قرار داده‌اند.

بنابراین می‌توان با به کار بردن روش‌هایی در تزکیه نفس به درمان و اصلاح بسیاری از معضلات روانی پرداخته، و در نتیجه از شکل‌گیری شاکله ناسالم در افراد جلوگیری کرد. شناخت درد و رذایل و اسباب آن و توجه به عواقب بیماری و به دنبال آن، تلاش عملی برای تهذیب نفس، روش کلی است که در درمان بیماری‌ها خیلی مؤثر می‌باشد. در پزشکی نیز برای درمان بیماری‌ها نخست عامل بیماری شناسایی و سپس به تناسب، از روش‌هایی برای درمان آن بهره گرفته می‌شود. (طوسی، ۱۷۰-۱۷۲؛ نراقی، ۱۰۵/۱) لذا انسان نخست باید شناخت کافی بر انواع دردها و رذائل خود داشته باشد تا در قبال آن با به کار بردن روش‌هایی مفید به درمان امراض درونی خود بپردازد.

۹-۴. خودشناسی

یکی از روش‌های اساسی قرآن در جهت شکل‌گیری شاکله سالم روش خودشناسی است. فقط با خودشناسی، نیروهای شگرف و استعدادهای انسان کشف می‌گردد و با به کار بردن آنها هر انسانی که بالقوه کامل است به کمال و تعالی دست می‌یازد. (مصباح یزدی، ۱۲۶-۱۲۸) درد انسان در درون اوست و درمان او نیز در درونش ولی بدین نکات استشعار و بصیرت ندارد. شخصیت حقیقی انسان در اساس در پشت پرده‌ی ناآگاهی پنهان است. انسان قسمت اعظم شخصیت خویش را نمی‌شناسد. لذا خودشناسی این امکان را برای افراد ایجاد می‌کند که با گسترش حیطه خودآگاهی خود موجبات رشد شخصیت را

فراهم آورد. (احمدی، ۱۲۸-۱۲۹) امیرمؤمنان علی (ع) فرمودند: «هر کسی که به معرفت نفس دست یافت، به سعادت و رستگاری برتر رسید». (تمیمی آمدی، ۱/۲۳۲) زیرا در فرض جهل به خویشتن و فراموشی خود، گرایش و عادت به اخلاق پسندیده و رسیدن به سعادت اتفاق نمی‌افتد.

بنابراین انسان از طریق خودآگاهی و شناخت خود و تجزیه و تحلیل دقیق محتوای روانی خویش می‌تواند سازمان‌های معیوب و مختل را تشخیص و با تجدید سازمان آنها باعث درمان بسیاری از امراض روانی شود.

۹-۵. عادت پروری و عادت زدایی

یکی دیگر از روش‌های مطلوب و مناسب در جهت تشکیل شاكلة سالم و درمان اختلالات و نابهنجاری‌های رفتاری جلوگیری از شکل‌گیری عادات منفی و در مقابل عادت زدایی و شکل‌دهی عادات خوب و پسندیده در افراد می‌باشد. با نظر گرفتن این نکته که عادت تنها به قلمرو رفتار و کردار محدود نمی‌شود بلکه فراتر از آن، سخن از عادت‌های حسی، ذهنی و فکری نیز می‌باشد. از اینجاست که می‌توان به نقش و اهمیت بسیار بالای عادت پروری و عادت زدایی در تشکیل شخصیت پی برد. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «اگره نفسک علی الفضائل، فان الرذائل انت مطبوع علیها»؛ خودت را وادار کن به کارهای خوب، به سمت خوبی‌ها حرکت کن، و الا خود به خود اوضاع به سمت بدی‌ها پیش خواهد رفت. (همو، ۱/۱۴۹) با اینکه ما فطرتمان یک فطرت الهی است، با اینکه خوب زاده شده ایم و خوبی‌ها در درون ما موجود هستند، اما انگار اگر آن خوبی‌ها در درون ما کشف نشوند، تجلی نکنند و ته دل ما مدفون شوند، متعفن می‌شوند و یا آثار بدی را از خودشان به جای می‌گذارند. (پناهیان، ۵۵)

چنانکه گفته شد علامه نیز در تفسیر شاكلة بر این باور است که تکرار اندیشه و عمل، نخست حالت است و سپس عادت می‌گردد و به تدریج ملکه می‌شود و این ملکات به

اعمال انسان شکل می‌دهد. (طباطبایی، المیزان، ۱۳/۱۸۶) در رابطه با عادت و پرورش آن، ذکر این نکته ضروری می‌باشد که بین عادت و ملکه تفاوت وجود دارد. عادت به یک معنا، عملی است که از بیرون به فرد تحمیل شده و به همین دلیل یعنی تحمیلی بودن هیچگاه به کنار رفتن حجاب‌ها و موانع و ایجاد حالت آگاهی درونی یا بصیرت منجر نخواهد شد. اما ملکه، حالتی است که در اثر خواست و اراده‌ی قلبی فرد و در مرحله‌ی بعد از تزکیه، به وقوع می‌پیوندد. به همین خاطر ملکه با آگاهی و معرفت درونی همراه است. (شمشیری، ۱۸۳-۱۸۴)

۹-۶. تربیت دینی

یکی از راهکارهای مهم و اساسی که در مراحل رشد افراد نقش مهم و کلیدی دارد تربیت آن‌هم تربیت دینی می‌باشد. مقصود از تربیت دینی، فرآیند پرورش، امور پیشین (شناخت خداوند، احساس تعلق و محبت به او و تعبد در برابر او) در انسان است، لذا با توجه به فطری بودن دین، می‌توان تربیت دینی را فراهم کردن زمینه‌ی شکوفایی فطرت توحیدی انسان و تجلی آن در عمل عبادی وی دانست. (ابوطالبی، ۲۳)

با توجه به اینکه انسان در بدو تولد دارای شاکله سالم می‌باشد و به مرور زمان و تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل درونی و بیرونی شکل خاصی به خود می‌گیرد بنابراین ضرورت می‌نماید که با به کارگیری روش‌ها و راهکارهایی در تعلیم و تربیت نوجوانان و جوانان از شکل‌گیری و قوام شاکله ناسالم که زمینه و علت بروز بسیاری از بیماری‌های روانی می‌باشد جلوگیری کرد. انسانی که بر اساس نظام تربیت دینی و اسلامی پرورده شود دارای ویژگی‌هایی است که این ویژگی‌ها وی را در تأمین بهداشت روانی خود و دیگران یاری می‌نماید.

باید توجه داشت که درمان معمولاً پس از ابتلای شخص به بیماری روانی شروع می‌شود، اما اگر تربیت دینی از کودکی در نفس انسان استقرار یابد نوعی مصونیت و پیشگیری از آسیب بیماری‌های روانی به شخص می‌بخشد.

استاد جوادی آملی درباره تربیت دینی می‌فرماید: قبل از اینکه کودک با عادات و رسوم دیگر آشنا شود، باید او را با تربیت دینی و آداب صحیح که «صبغه‌ی الهی» است رنگین کنیم. به این معنا، که در اوایل امر، همان طور که فراگیری علم، ثابت و آسان است و می‌فهمند، فراگیری مسائل اخلاقی مثل متخلق کردن کودکان هم سهل است. چون مسائل اخلاقی هم با فطرت اینها سازگار است و هم ضد اخلاق و ارزش در جان اینها جایی پیدا نکرده است؛ ولی اگر اخلاقی نفسانی در دراز مدت به صورت ملکه در آمده باشد طی راه مناسب با آن ملکه، آسان ولی تغییر آن سخت است. (جوادی آملی، مبادی اخلاق در قرآن، ۱۴۵)

۱. نتایج مقاله

۱. مفهوم قرآنی شاكلة حاوی مضامین اخلاقی و روانشناسانه است که، ارتباط مستقیمی با سلامت روان افراد داشته، که توجه به آن راهگشای حل بسیاری از مشکلات و معضلات روانی و حتی رشد و کمال انسان می‌باشد. و حتی می‌توان آن را بهترین دستورالعمل قرآنی جهت مصون ماندن از این قبیل آسیب‌ها و بهبود و ارتقاء سلامت روانی افراد دانست.
۲. علامه با ارائه تفسیری جامع از مفهوم شاكلة و قرار دادن آن به عنوان مبنای رفتار توانسته است به خوبی بین این مفهوم و سلامت روان ارتباط برقرار کند و به بسیاری از سوالاتی که در این زمینه مطرح است پاسخ دهد. علاوه بر آن ذهن بسیاری از صاحب نظران را متوجه این نکته کند که هر چه در تفسیر آیه شاكلة از توان بین رشته‌ای بهره ببریم، به ژرفای آیه بیشتر دست می‌یابیم.
۳. بین "شاكلة" و سلامت روان انسان ارتباط مستقیم و ناگسستنی وجود دارد به طوری که اگر شاكلة انسان صحیح و سالم باشد رفتار او نیز نوعاً سالم و به همان اندازه از سلامت روانی، بالاتری برخوردار خواهد بود و اگر شاكلة انسان بر اساس صحیحی شکل نگرفته باشد بلکه دچار انحراف و یا حتی از مسیر اصلی فطرت دور شده باشد صاحب خود را به انواع بیماری‌های روانی دچار خواهد کرد.

۴. برای پی بردن به علل و عوامل بسیاری از اختلالات روانی مثل استرس، اضطراب، فشارهای روانی، ترس، ناامیدی، خودکشی و... باید به شاکله افراد مراجعه و از طریق شناخت عوامل بیرونی و درونی شکل دهنده آن به درمان آنها پرداخت.
۵. با توجه به قابل تغییر بودن شاکله و همچنین شکل‌گیری تدریجی آن و تعامل دو عامل وراثت و محیط در تشکیل آن می‌توان با ارائه راهکارهایی رهگشا از قرآن و تعالیم اسلامی همچون: بازگشت به فطرت، توبه، خودسازی و تهذیب نفس، خودشناسی، عادت پروری و عادت‌زدایی و تربیت دینی موجب تغییر و اصلاح و شکل‌گیری مناسب شخصیت آدمی شده و او را از ابتلا به بسیاری از اختلالات روانی مصون نگه داشت.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم، به ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، خطاط عثمان طه، تهران: انتشارات دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲. احمدی، علی اصغر، روانشناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳ش.
۳. ابوطالبی، مهدی، تربیت دینی از دیدگاه امام علی (ع)، قم، مؤسسه پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۳ش.
۴. بشیری، ابوالقاسم وحیدری، مجتبی، روانشناسی شخصیت، نظریه‌های شخصیت با نگرش به منابع دینی، قم، مؤسسه پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۶ش.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، بی تا.
۶. پروین، لارنس و جان، الیور، شخصیت نظریه و پژوهش، ترجمه جعفر جوادی، پروین کدیور، تهران، آبیژ، ۱۳۸۹ش.
۷. جوانمرد، غلام حسین، «ناهشیاری فراتر از هشیاری»، نشریه علامه، شماره ۴۰۳، پاییز و زمستان ۸۳، ص ۱۳۱-۱۵۶، ۱۳۸۳ش.
۸. جعفری، محمد تقی، روان شناسی اسلامی، تهران، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۸ش.
۹. جوادی آملی، عبدالله، مبادی اخلاق در قرآن، قم، اسراء، ۱۳۷۷ش.
۱۰. همو، تفسیرانسان به انسان، قم، اسراء، ۱۳۸۴ش.
۱۱. همو، صورت و سیرت انسان در قرآن، قم، اسراء، ۱۳۸۸ش.
۱۲. حسینی، اعظم السادات، «روند شکل‌گیری برداشت‌ها از آیه شاکله با تکیه بر دوران معاصر»، رساله دکتری، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۴۰۰ش.
۱۳. حسینی کوهساری، سید اسحاق، نگاهی قرآنی به فشار روانی، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۳ش.
۱۴. حسینیان، سیمین، «انتخاب حرفه، بیانگر شخصیت فرد است»، نشریه علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، شماره ۳ و ۴، تابستان ۶۹، ص ۳۳-۳۸، ۱۳۶۹ش.
۱۵. حاج علی لالائی، عبدالله، عبدالملکی، کریم، قاسم نیا، سلمان و جلالوند، مهدی، «هندسه تعامل ادراکات و نفس در ساختار و عملکرد شاکله»، دو فصلنامه علمی - پژوهش انسان پژوهی دینی، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۹۱، ص ۳۱-۵۲، ۱۳۹۱ش.
۱۶. درزی، قاسم، فرامرز قراملکی، احد و میردهقان، مهین ناز، «تأملی بر الگوهای تأثیر گذار زبان شناختی در مطالعات میان رشته‌ای با تأکید بر واژه قرآنی "شاکله"»، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، شماره ۲، تابستان ۹۶، ص ۲۵-۵۲، ۱۳۹۶ش.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۲ه. ق.
۱۸. ستوده، هدایت الله، میرزایی، بهشته و بازند، افسانه، روان شناسی جنایی، تهران، آوای نور، ۱۳۷۸ش.
۱۹. سیدرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه به ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ه. ش.
۲۰. سالاری فر، محمدرضا، شجاعی، محمدصادق، موسوی اصل، سیدمهدی و دولتخواه، محمد، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، قم، انتشارات حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰ش.
۲۱. شاملو، سعید، بهداشت روانی، تهران، رشد، ۱۳۹۵ش.
۲۲. همو، آسیب شناسی روانی، تهران، رشد، ۱۳۹۵ش.
۲۳. همو، مکتب‌ها و نظریه‌های در روانشناسی شخصیت، تهران، رشد، ۱۳۷۷ش.

۲۴. شجاعی، محمد صادق، «نگاهی به مفهوم شخصیت در منابع اسلامی»، اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، شماره ۲، تابستان ۹۵، ص ۵۱-۶۱، ۱۳۹۵ش.
۲۵. شمشیری، بابک، تعلیم و تربیت از منظر عشق و عرفان، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۸۵ش.
۲۶. شولتس، دوان، روان‌شناسی کمال، الگوهای شخصیت سالم، ترجمه گیتی خوشدل، تهران، نشر نو، ۱۳۶۱ش.
۲۷. شرفاوی، حسن محمد، گامی فراسوی روانشناسی اسلامی، یا اخلاق و بهداشت روانی در اسلام، ترجمه محمد باقر حاجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۲۸. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۲۹. همو، تفسیر المیزان، مترجم، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.
۳۰. طوسی، نصیرالدین محمد، اخلاق ناصری، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۷ش.
۳۱. علوی نژاد، حیدر، افق‌های کمال، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷ش.
۳۲. همو، «روانشناسی شخصیت از دیدگاه قرآن»، فصلنامه سفیر نور، شماره ۱، پاییز ۸۴، ص ۲۸-۴۱، ۱۳۸۴ش.
۳۳. همو، اخلاق حرفه‌ای (نگارش نو) ج ۴، تهران، مجنون، ۱۳۹۳ش.
۳۴. فرامرز قراملکی، احد و سلمان ماهینی، سکینه، «دلالت‌های تربیتی مفهوم قرآنی شاکله بر اساس رهیافت‌های علامه طباطبایی»، علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، شماره ۴، بهار و تابستان ۹۴، ص ۳۵-۷۵، ۱۳۹۴ش.
۳۵. همو، «نقش مواجهه مسئله محور با آیه شاکله؛ با رویکرد شناختی»، مطالعات روش‌شناسی دینی، شماره ۱، بهار و تابستان ۹۳، ص ۷۵-۸۴، ۱۳۹۳ش.
۳۶. گنجی، حمزه، بهداشت روانی، تهران، ارسباران، ۱۳۹۷ش.
۳۷. همو، آزمون‌های روانی میانی نظری و عملی، مشهد، دانشگاه امام رضا (ع)، ۱۳۷۵ش.
۳۸. مطهری، مرتضی، انسان کامل، قم، صدرا، ۱۳۹۱ش.
۳۹. مایلی، ریچارد، تحول و پدید آیی شخصیت، ترجمه محمود منصور، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
۴۰. مطالعات راهبردی تربیت، تربیت دینی؛ مبتنی بر آراء علیرضا پناهیان، تهران، مرکز مطالعات راهبردی اسلامی.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، امیرالمومنین، ۱۳۶۹ش.
۴۲. محمد علی نژاد عمران، روح الله و شمخی، مینا، «مقایسه تحلیلی شخصیت از دیدگاه روانشناسی با مفهوم شاکله در قرآن»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، شماره ۴۳، پاییز ۹۹، ص ۱۵۹-۱۸۲، ۱۳۹۹ش.
۴۳. میلانی‌فر، بهروز، بهداشت روانی، تهران، قومس، ۱۳۹۵ش.
۴۴. نجاتی، محمد عثمان، قرآن و روانشناسی، ترجمه عباس عرب، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ش.
۴۵. بران، «مجموعه مقالات اسلام و بهداشت روان»، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲ش.
۴۶. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادت، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۸ق.
۴۷. ناروئی نصرتی، رحیم و منصور، محمود، «شکل‌گیری شخصیت، تأمین بهداشت روان و درمان اختلالات روان‌شناختی بر اساس نظریه خود تحقق دهی دینی»، نشریه روانشناسی و دین، شماره ۶، تابستان ۸۸، ص ۷-۴۰، ۱۳۸۸ش.
۴۸. یزدی، مصباح، خودشناسی برای خودسازی، قم، مؤسسه پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰ش.